

کار آفرینی و رکود اقتصادی

فیروزه درستی

دیده‌بان جهانی کار آفرینی (GEM) یک کنسرسیوم دانشگاهی جهانی مرکب از تیم‌های علمی - پژوهشی است که هدف اصلی آن ارزیابی و ارائه داده‌های پژوهشی معتبر در سطح بین‌المللی در مورد فعالیت‌های کار آفرینانه است. به طور کلی اهداف برنامه پژوهشی دیده‌بان جهانی کار آفرینی عبارتند از: سنجش و ارزیابی سطح فعالیت کار آفرینانه میان کشورهای عضو، کشف رابطه نظام‌مند میان کار آفرینی و رشد اقتصاد ملی، و شناسایی عوامل مؤثر در توسعه کار آفرینی.

تعداد کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کار آفرینی از ۴ عضو در سال ۱۹۹۷ به ۲۱ کشور در سال ۲۰۰۰ و ۲۹ کشور در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت. در سال ۲۰۰۶ تعداد اعضای دیده‌بان جهانی کار آفرینی به ۴۲ کشور رسید و سرانجام در سال ۲۰۰۷ (۱۸ مهر ۱۳۸۶) با پیوستن ایران، تعداد کشورهای عضو GEM به ۴۷ کشور افزایش یافت. دانشکده کار آفرینی دانشگاه تهران متولی اجرایی برنامه پژوهشی GEM در ایران است. گزارش پیش رو که بنازگی انتشار یافته وضعیت کار آفرینی را بر تأکید بر رکود جهانی سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ بررسی می‌کند. این گزارش تنها بخشی از گزارش مفصل دیده‌بان کار آفرینی جهانی است.

تأثیر رکود بر کار آفرینی: شواهدی از داده‌های جی.ای.ام

حال که تحقیقات جی.ای.ام بیش از ده سال است که انجام می‌شود، می‌توان الگوهای دوران ترقی و تنزل در فعالیت تجاری و اقتصادی را مشاهده کرد. در این بخش، سیر تکاملی رفتارها، فعالیت‌ها و تمایلات کار آفرینی را در دو کشور آمریکا و آرژانتین را که از سال ۲۰۰۱ تا کنون هر سال در تحقیقات جی.ای.ام حضور داشته‌اند، نشان می‌دهیم.

امریکا نمونه مثالی بسیار خوبی است، زیرا بحران اقتصادی از آنجا آغاز شد و تأثیر آن قابل توجه بود. ما همچنین نتایج حاصل از تحقیقات را در آرژانتین به عنوان نمونه‌ای از کشوری که در مرحله متفاوتی از توسعه اقتصادی قرار دارد و بحران شدید اقتصادی سال ۲۰۰۰ به آن بسیار صدمه زد، ارائه می‌کنیم.

آنچه در مورد دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ قابل توجه است و با یافته‌های اصلی کولینگر و ثوریک (۲۰۰۹) سازگاری و تطابق دارد، این است که به نظر می‌رسد جمعیت فعال کار آمریکا طوری عمل کرده است که گویی مشکل پیش رو را پیش‌بینی کرده و انتظار آن را داشته است. از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، ترس از شکست افزایش یافته، همان طور که در کار آفرینی مبتنی بر ضرورت تأثیر داشته، این در حالی است که فعالیت کار آفرینی در حال تولد از ۸٪ در سال ۲۰۰۵ به ۵٪ در سال ۲۰۰۹ کاهش یافته است. در حالی که فعالیت کار آفرینی مقیاسی است با تغییرات تدریجی و آرام، این مقیاس هم کاهش زیادی را نشان می‌داد. میزان خاتمه یک کسب‌وکار و عدم ادامه آن هم هیچ انحرافی از مسیر در سال ۲۰۰۹ نشان نمی‌داد. چهار مقیاس متفاوت تمایل برای کار آفرینی نیز در این دوره کاهش یافت.

طی چهار سال از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ پس از بحران شدید اقتصادی سال ۲۰۰۰، فرصت ایجاد شغل در آرژانتین با شیب تندی بالا رفت، در حالی که فعالیت کار آفرینی در حال تولد و نوپا هم در سه سال نخست افزایش یافت. در سال ۲۰۰۲، کار آفرینی مبتنی بر ضرورت به عنوان سهمی از فعالیت کلی با شیب تندی شروع به کاهش کرد. در همان زمان،

دو سال بعد نشان داده خواهد شد. این امر نشان می‌دهد کار آفرینی مستقل از چرخه تولید نیست. کار آفرینی تنها یک پدیده در جهت دور تجاری یا خلاف جهت آن نیست، بلکه مانند یک چرخه همزمان عمل می‌کند. سال‌های پیش از رکود ممکن است به عنوان سرمایه‌گذاری در برخی حوزه‌های متمرکز بالقوه مانند تکنولوژی سبز تلقی شوند اما غالب مدل‌های تجاری اجازه نمی‌دهند ابداعات نوین در مقیاس قابل توجه شکل بگیرند. در زمان رکود، اگر چه از بین بردن شوک تغییرات پیش آمده ضروری است، افراد تازه‌وارد می‌توانند جای پای خود را محکم کنند، زیرا تمام قطعیت‌های گذشته زیر سؤال می‌روند.

ویلیام بائومول (William Baumol) در یک مقاله مهم درباره کار آفرینی و توسعه درباره نرخ ثابت برای کار آفرینی در جوامع استدلال کرد، در حالی که نهادها، قوانین و هنجارهای جوامع تعیین می‌کنند که تا چه اندازه کار آفرینی مولد است و توسعه اقتصادی ایجاد می‌کند (باومول، ۱۹۹۰).

اگر باومول درست بگوید، می‌توان استدلال کرد که رکود اقتصادی به جای کاهش کار آفرینی، در ترازون فعالیت‌های مختلف کار آفرینانه تغییر ایجاد کرده است. برای مثال، افرادی که به عنوان کارگر و کارمند در بخش مالی کار کرده‌اند، ممکن است به دنبال راه‌هایی باشند که درآمد خود را از طریق بخش‌های مختلف دیگر به دست آورند.

دیگران که گزینه کار آفرینی را در مواقع رونق به عنوان یک انتخاب در نظر می‌گرفتند، ممکن است برای چند سالی کارمندی را برگزینند و تمایلات کار آفرینانه خود را برای بعد نگه دارند. برخی ممکن است امکان شروع یک کسب‌وکار را شدنی ببینند، زیرا ارزش منابع انسانی و مالی نزول کرده است. تحلیل تعداد سالانه شغل آزاد یا تعداد کسب‌وکارهای نوپا به یک پاسخ قانع‌کننده به دو سؤال طرح شده منجر نمی‌شود، زیرا ممکن است برخی مشاغل آزاد خیلی کار آفرین نباشند و برخی کارمندان ممکن است در حقیقت بسیار کار آفرین باشند.

در حالی که رکود اقتصادی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ در بسیاری از کشورها بسیار جدی بود، وقتی این گزارش آماده می‌شد، برخی کشورها از حالت رکود خارج می‌شدند. در این گزارش از نه سال اطلاعات جی.ای.ام به علاوه پاسخ‌های داده شده به سئوالات بخصوصی که در بررسی سال ۲۰۰۹ دو مسئله عمده را هدف گرفته بود، استفاده کردیم: نخست اینکه چگونه فعالیت‌های کار آفرینی تحت تأثیر رکود قرار گرفته‌اند؟ و دوم اینکه کار آفرینی تا چه اندازه می‌تواند به عنوان مکانیسمی برای معکوس کردن روند نزولی اقتصاد به روند صعودی عمل کند؟ در ارتباط با سؤال نخست، از یک طرف ممکن است به دلیل فرصت‌های کمتر، فعالیت‌های نوپای کمتری داشته باشیم. از سوی دیگر، رکود و کساد می‌تواند بازارها و منابع سابق را آزاد کند و برخی افراد ممکن است واقعاً فرصت‌های جدیدی برای آغاز کسب‌وکار ببینند که شرایط آنها را که رکود باعث به وجود آمدنشان شده، تغییر می‌دهد. بنابراین، این سؤال را نمی‌توان تنها با مشاهده تعداد سالانه کسب‌وکارهای نوپای پاسخ داد. چه اهمیتی دارد که چه نوع از فعالیت‌های کار آفرینی انجام شود، کار آفرینان چه انگیزه‌های اساسی و چه تمایلاتی دارند. نتایج تحقیقات جی.ای.ام ۲۰۰۹ بینشی درباره این موضوعات به ما می‌دهد، زیرا روش‌شناسی آن بوضوح نوسان انواع مختلف و مراحل متفاوت فعالیت کار آفرینی را در نظر می‌گیرد.

چندین نظریه درباره سؤال دوم وجود دارد. بهترین نوآوری‌ها در زمان‌های رکود (مانند کساد دهه ۱۹۳۰) انجام شده‌اند؛ زمانی که جامعه برای تغییر آماده است. مطالعه‌ای که بنازگی توسط کولینگر (Koellinger) و ثوریک (Thurik) (۲۰۰۹) انجام شده، نشان می‌دهد کار آفرینی نمایانگر دوران ترقی و تنزل فعالیت تجاری و اقتصادی است. آنها نشان دادند استفاده از اطلاعات دیده‌بان کار آفرینی جهانی (GEM) برای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، ارتباط مثبت میان فعالیت‌های در حال تولد نوآورانه و مبتنی بر فرصت و چرخه رشد تولید ناخالص داخلی واقعی،



تمایل برای ایجاد شغل افزایش یافت. با نگاهی گذرا و سریع به دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، الگوهای مشابهی را در امریکا شاهدیم؛ کاهش در فرصت ایجاد شغل و افزایش در سهم فعالیت کارآفرینی مبتنی بر ضرورت.

در نگاه اول، در حالی که این الگوها غیرمنطقی به نظر می‌رسد، در تطابق کامل با دیدگاه دوره‌های تنزل و ترقی تجاری و اقتصادی شامپتر (Joseph Schumpeter) و نقشی که کارآفرینان در آن بازی می‌کنند، قرار دارد. ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که بیرون آمدن امریکا از بحران اقتصادی همان الگوهای مشابه را در آرزاتین سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ نشان دهد. اما آنچه واضح است، این است که فعالیت کارآفرینانه در دوره‌های اقتصادی مختلف تغییر می‌کند و به نظر می‌رسد از یک روش نظام‌مند تبعیت می‌کند.

روند ترقی یا تنزل رفتارها، تمایلات و فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای مورد بررسی جی.ای.ام. در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷ و ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و نیز روند رشد ناخالص داخلی برای این دوره زمانی ارزیابی شده است. سهم نسبی ضرورت کارآفرینی طی این دوره در تمام کشورهای با اقتصاد مبتنی بر نوآوری به استثنای امارات متحد عربی و سوئیس افزایش یافته است. امارات متحد عربی و سوئیس، برعکس سایر کشورهایی که اقتصاد مبتنی بر نوآوری دارند، بین دوره ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ رشد ناخالص داخلی مثبت اندکی داشتند.

فرصت ایجاد شغل در اکثر این کشورها کاهش یافت، هر چند ترس از شکست در هیچ کدام از این کشورها به اندازه امارات افزایش نیافت.

کمتر کشوری از میان کشورهای با اقتصاد مبتنی بر کارایی کاهش فرصت‌های شغلی را نشان دادند، اما کمتر کشوری از میان این کشورها افزایشی در سهم کارآفرینی مبتنی بر ضرورت با وارد شدن به رکود اقتصادی نشان می‌دهد. این کشورها مانند لیتوانی، رومانی، و آرزاتین بیش از دیگر کشورهای هم‌گروه خود طی این دوره صدمه دیدند. برخی کشورها که عملکرد مساعدی طی این دوره داشته‌اند، مانند اروگوئه، جمهوری دومینیک، پرو و برزیل فرصت‌های شغلی ثابت یا حتی افزایشی را نشان می‌دهند و هیچ نشانی از افزایش کارآفرینی مبتنی بر ضرورت در آنها مشاهده نمی‌شود.

تأثیر رکود بر فعالیت‌های کارآفرینانه بر اساس گفته‌های کارآفرینان

این بخش نشان می‌دهد که چه طور کارآفرینان در این سه دسته کشور تأثیر بحران اقتصادی جهانی را بر کسب‌وکار خود احساس کرده‌اند. فرصت‌های شروع کسب‌وکار و یا توسعه آن با یک سال پیش مقایسه شده است.

در بررسی سال ۲۰۰۹ جی.ای.ام. دو سؤال اضافه شده است که اجازه می‌دهد ارزیابی‌ای از تلقی کارآفرینی در اوضاع اقتصادی اواسط سال ۲۰۰۹ برای شروع و توسعه یک کسب‌وکار داشته باشیم.

در این گزارش، کارآفرینان هر سه گروه کشورها شرایط شروع یک کسب‌وکار را در مقایسه با سال قبل ارزیابی کرده‌اند. جای تعجب نیست که بیش از نیمی از کارآفرینان آغاز کسب‌وکار جدید را دشوارتر از سال قبل می‌دانند. به طور متوسط اکثر کارآفرینان در کشورهای با اقتصاد مبتنی بر عوامل تولید اظهار داشتند که آغاز کسب‌وکار در این کشورها آسان‌تر

از سایر اقتصادها بوده است. بسیاری از کارآفرینان در این کشورها ضرورت‌محورند و ارتباط اندکی با بازارهای مالی جهانی دارند.

در حقیقت، تولید ناخالص داخلی این کشورها طی دوره رکود جهانی به رشد خود ادامه داد. کشورهای با اقتصاد مبتنی بر کارایی بیشتر تمایل دارند با بازارهای جهانی ارتباط داشته باشند و رأی و نظر کارآفرینان در این کشورها در مجموع منفی بود. به طور کلی، کارآفرینان درباره رشد و توسعه یک کسب‌وکار بیشتر از شروع آن مثبت فکر می‌کنند. ممکن است متصدیان کارآفرینی در الگوهای کسب‌وکارشان با آزمون‌های جدی مواجه شوند که در زمان رونق اقتصادی ثابت شود موفق بوده‌اند.

تأثیر رکود اقتصادی بر فرصت‌های تجاری موجود

در یکی از سئوالات ویژه‌ای که به بررسی جمعیت بزرگسال ۲۰۰۹ جی.ای.ام. اضافه شده، از کارآفرینان درباره دیدگاهشان در مورد تأثیر «بحران اقتصادی جهانی» بر فرصت‌های تجاری برای شروع یک کسب‌وکار یا ادامه کسب‌وکار موجود سؤال شده است. پاسخ‌های داده شده به این سؤال با توجه به گروهی که یک کشور در آن قرار می‌گیرد و نیز نوع کارآفرینی این گونه خلاصه شده است: نخست

اینکه اکثریت کارآفرینان در کشورهای با اقتصاد مبتنی بر عوامل تولید و مبتنی بر کارایی فرصت‌های کمتری برای کسب‌وکارشان می‌بینند. دوم اینکه تقریباً یک‌چهارم کارآفرینان نوپا در کشورهای با اقتصاد مبتنی بر نوآوری فرصت‌های بیشتری برای کسب‌وکار خود می‌بینند. سوم اینکه هر چه کارآفرینان ثابت‌تر باشند و زمان بیشتری از تأسیس بنگاه اقتصادی آنها گذشته باشد، احتمال اینکه بدبین‌تر باشند بیشتر است.

نتیجه نخست ممکن است غیرمنطقی و نادرست به نظر برسد، زیرا به نظر می‌رسد کشورهای با اقتصاد مبتنی بر نوآوری، بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی، بیشتر از اغلب اقتصادهای مبتنی بر عوامل تولید و مبتنی بر کارایی تحت تأثیر رکود قرار گرفته‌اند.

اما این پاسخ‌ها نسبی هستند و در کشورهایی که نسبتاً تحت تأثیر بحران اقتصادی جهانی قرار نگرفته‌اند کارآفرینان ممکن است تفاوت اندکی از یک سال به سال بعد مشاهده کنند. برعکس، در اقتصادهای مبتنی بر نوآوری که تغییرات بیشتر بوده است، اقلیت قابل توجهی از کارآفرینان فرصت را مناسب می‌بینند و بقیه خطر را احساس می‌کنند. این افراد، جوان‌تر و تحصیل‌کرده‌تر هستند و سطح تمایل بالاتری بر حسب انتظار شغل و نوآوری دارند.